



حافظ و گفتمان‌های اجتماعی و تاریخی

دکتر محمد کشاورز (بیضایی)

حافظ و گفتمان‌های اجتماعی و تاریخی

این کتاب با کاغذ کتاب سَبُک یا بالکی (Bulky Paper) فرآورده کشورهای اروپایی، چاپ شده و در فرآیند تولید آن، هیچ گونه آسیبی به محیط زیست نرسیده است، و مطالعه با آن لذت بخش تر است.



سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتاب شناسی ملی:

کشاوری (بیضایی)، محمد، ۱۳۶۲ -

حافظ و گفتمان های اجتماعی و تاریخی / محمد کشاوری (بیضایی).

تهران: انتشارات مروارید، ۱۴۰۱.

۲۳۶ ص. ۵/ ۵۱۴ / ۲۱ س.م.

978-622-324-058-4

فیبا

حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق. دیوان. برگزیده - نقد و تفسیر

Commentaries-- Hafiz, Shamsoddin Mohammad, 14th century. Divan.

Criticism & interpretation

شعر فارسی - قرن ۸ ق. - تاریخ و نقد

Persian poetry - 14th century - History and criticism

Social classes in literature / طبقات اجتماعی در ادبیات

Communities in literature / اجتماع در ادبیات

History in literature / تاریخ در ادبیات

حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق. دیوان. برگزیده. شرح

CommentariesHafiz, Shamsoddin Mohammad, 14th century. Divan

PIR۵۴۳۷

۸۱۶۱/۳۲

۹۰۹۱۴۰۹

حافظ و گفتمان‌های اجتماعی و تاریخی

دکتر محمد کشاورز (بیضایی)



انتشارات مروارید



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، پلاک ۲۹ / کد پستی ۱۳۱۵۶۸۵۵۳۳
دفتر: ۰۸۶۶۰۰۶۶۴ - ۰۴۶۰۴۱۴۰۶۶۴ - ۰۱۲۰۴۶۴۸۴۶۶۴ فاکس: ۰۲۷۰۴۸۴۰۶۶۴
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



حافظ و گفتمان‌های اجتماعی و تاریخی

دکتر محمد کشاورز (بیضایی)

(فارغ‌التحصیل دوره‌ی دکتری تاریخ ایران اسلامی
و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر)



تولید فنی: الناز ایللی

صفحه‌آرایی: الناز اسماعیل‌پور



چاپ اول: بهار ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: هوران

شمارگان: ۳۳۰

شابک ۴-۵۸-۰۰۳۲۴-۶۲۲-۹۷۸-۹۷۸-۶۲۲-۳۲۴-۰۵۸-۴ ISBN: 978-622-324-058-4

۱۷۵۰۰۰ تومان

پیشکش به: دخترم ماندانا و به امید
روزهای روشن در زندگی اش.

فهرست

درآمد..... ۱۱

بخش اول: مبانی و کلیات بحث..... ۱۹

۱. تاریخ‌گرایی نوین..... ۱۹

۲. تاریخ‌گرایی نوین و جریان گفتمان‌ها..... ۱۹

۳. دیوان حافظ و موقعیت تاریخی..... ۲۵

بخش دوم: گفتمان‌های سیاسی قرن هشتم در شعر حافظ..... ۲۷

۱. حافظ و گفتمان خسروانی و ایرانی آل اینجو..... ۲۸

۲. حافظ و گفتمان شریعت‌مدارانه و خلیفه‌محور آل مظفر..... ۳۳

۳. حافظ و گفتمان ترک‌مدارانه‌ی تیمور لنگ..... ۳۶

برآیند..... ۳۸

بخش سوم: گفتمان‌های اجتماعی شعر حافظ..... ۴۱

۱. گفتمان‌های اجتماعی سده‌ی هشتم در شعر حافظ..... ۴۱

۲. ساخت اجتماعی و طبقاتی جامعه‌ی ایرانی در دوران تاریخ میانه..... ۴۳

۳. گروه‌ها و طبقات اجتماعی و گفتمان‌های آن در دیوان حافظ..... ۴۷

۴. گروه‌ها و طبقات مذهبی و اجتماعی..... ۴۸

فقها (۴۹)، محتسب (۵۰)، واعظان (۵۱)، صوفیان (۵۳)، شیخ‌ها

(۵۶)، قاضیان (۵۹)، امام جماعت (۶۴).

۵. حافظ و هجوم به گروه‌های رسمی و اجتماعی وابسته به قدرت ۶۴
۶. گروه‌ها و طبقات عادی جامعه ۶۶
- مغنیان و مطربان (۶۶)، حکیمان (در معنای طبیبان و پزشکان) (۷۷)، ترکان، غلامان و کنیزان (۸۱)، طبقه‌ی رندان؛ طبقه‌ی بر ساخته‌ی حافظ (۹۲)، گدایان (۹۳)، عیاران (۹۵)، لولیان (۱۰۳).
۷. گروه‌ها و اقشار اجتماعی در سایه ۱۰۴
- تجار (۱۰۵)، کشاورزان (۱۰۶)، شاعران (۱۰۷)، زنان (۱۰۸).
- برآیند ۱۰۹

بخش چهارم: دیوان‌سالاری مستعجل آل اینجو و شکوفایی

- فرهنگی و هنری ۱۱۱
۱. نظام دیوان‌سالاری و ترویج هنر ۱۱۱
۲. نگاهی اجمالی به فعالیت‌های فرهنگی و هنری در دوران سلسله‌ی آل اینجو ۱۱۳
۳. کارکرد دیوان‌سالاری آل اینجو در شکوفایی فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر نقش‌آفرینی آن ۱۱۴
- امنیت و رفاه اجتماعی (۱۱۴)، وزیران و عناصر دیوانی خبره، هنردوست و هنرنواز (۱۱۶)، تداوم و استمرار خاندان‌ها و عناصر دیوانی در شیراز (۱۱۹)، پیشینه‌ی دیوانی آل اینجو و وصلت و معاشرت آنان با خاندان‌ها و عناصر دیوانی (۱۲۰)، تساهل و تسامح شاه ابواسحاق اینجو و نزدیکانش (۱۲۱)، ایران‌دوستی و باستان‌گرایی ابواسحاق اینجو (۱۲۲).
- برآیند ۱۲۲

بخش پنجم: حافظ، هراس و آسیب اجتماعی ۱۲۵

۱. نسبت شعر با اضطراب و هراس اجتماعی ۱۲۵
۲. حافظ؛ اضطراب و هراس فردی و اجتماعی ۱۲۶

۳. آسیب و هراس اجتماعی و تاریخی قرن هشتم هجری ۱۲۹
 ناامنی و بی‌ثباتی (۱۲۹)، بی‌اعتمادی (۱۳۲)، تزویر و ریا (۱۳۵)،
 چیرگی رذیلت بر فضیلت (۱۳۷)، پیمان‌شکنی (۱۳۷)، عدم امن
 عیش (۱۳۸)، اتهام الحاد و اباحه‌گری (۱۳۹)، جبرگرایی و
 تقدیرباوری (۱۴۶)، سنت تلخ و پایدار وزیرکشی (۱۴۷).
 برآیند ۱۵۲

بخش ششم: تفأل طبقه‌ی حاکمیت به دیوان حافظ ۱۵۳
 ۱. تاریخچه‌ی تفأل ۱۵۳
 ۲. معنای اصطلاحی و لفظی تفأل ۱۵۴
 ۳. پیشینه‌ی تفأل به دیوان حافظ و عوامل عمومیت‌یافتن آن ۱۵۵
 طبقه‌ی حاکمیت و تفأل به دیوان حافظ شیرازی (۱۵۸)، کارکرد
 پیش‌بینی و پیش‌آگاهی از امور فعلی و پیش‌رو (۱۵۸)، کارکرد
 روانی و کنشگری در امر رویدادها و وقایع تاریخی (۱۶۰)،
 کارکرد تفننی و تفریحی (۱۶۳).
 برآیند ۱۶۴

بخش هفتم: داده‌های تاریخی شعر حافظ ۱۶۵
 ۱. شعر و تاریخ ۱۶۵
 ۲. تاریخ‌نگاری و معرفت تاریخی حافظ ۱۶۸
 ۳. داده‌های تاریخی سده‌ی هشتم در دیوان حافظ و سنجش آن با
 منابع تاریخی ۱۶۹
 مضامین و داده‌های تاریخی عصر آل اینجو (۷۵۸ - ۷۲۵ ه. ق) ۱۶۹
 خوش درخشیدن سلسله‌ی آل اینجو (۱۶۹)، قوام‌الدین حسن
 شیرازی وزیر شیخ ابواسحاق اینجو (۱۷۰)، عمادالدین محمود
 وزیر شیخ ابواسحاق اینجو (۱۷۱).
 داده‌های تاریخی دوران حکومت آل مظفر (۷۹۵ - ۷۱۳ ه. ق) ۱۷۲
 شخصیت امیرمبارزالدین محمد و سرانجام وی (۱۷۲)، دیگر

شخصیت‌ها و سلاطین مظفری (۱۷۴)، وزیران آل مظفر (۱۷۵).

داده‌های تاریخی دیگر ۱۷۷

برآیند ۱۸۰

بخش هشتم: شعر حافظ و اصطلاحات دیوانی ۱۸۱

دیوان وزارت (۱۸۲)، دیوان انشا (۱۸۴)، دیوانی استیفا (خراج)

(۱۸۷)، دیوان برید (۱۸۸)، دیوان قضا (۱۸۹)، دیوان عرض

(سپاه) (۱۹۱).

برآیند ۱۹۲

عکس‌ها و جدول‌ها ۱۹۵

منابع ۲۱۱

نمایه‌ی نام‌ها ۲۲۹

درآمد

خلق و آفرینش اثر هنری، فرایندی پیچیده، رمزآلود و آمیزه‌ای از الهام و صنعت است. فرض ما از الهام، مکاشفه و در دل انداختن است و منظور از صنعت، هنر ساختن، پرداختن و شکل دادن. الهام در وادی شعر و هنر، سراغ کسانی را می‌گیرد که آماده‌ی استقبال و پذیرایی باشند. این پذیرایی جز با تحصیل، استحاله و درونی‌شدن آموزه‌های فردی و اجتماعی، مطالعه و عمیق‌شدن شاعر در پدیده‌های طبیعی، اجتماعی و فرهنگی که وی را احاطه کرده است، امکان‌پذیر نیست. شاعری که تنها از احساسات انتزاعی و فردی خود می‌گوید، زبینه و برازنده‌ی این نام نیست؛ چراکه احساسات انتزاعی صرف، موجد بالندگی و زایش‌گری شاعرانه نیست. احساس، زمانی که با وجه تخیلی و اندیشه‌ای شعر توأمان نشود و از صافی‌ها و فیلترهای تجارب شخصی و اجتماعی شاعر نگذرد، در سیر تکوینی و تکاملی شعر قرار نگرفته است.

شعر یکی از ساحت‌هایی است که در آن تجارب و آموزه‌های شاعر، همچنین تعامل وی با طبقات، گروه‌ها، جریان‌ها و گفتمان‌های تاریخی و اجتماعی متعدد و شناور، تداعی‌ها و معناهای گوناگون خود را می‌آفریند و به عرصه‌ای مناقشه‌انگیز از شکستن ساختار معنایی گفتمان رقیب و به حاشیه‌رانی و در عین حال

تقویت بخشی به آن مبدل می‌شود. به عبارتی دیگر، گروه‌ها، لایه‌ها، اقشار و عناصر اجتماعی، مانند جزایر پراکنده و ریز و درشتی هستند که در امواج و تلاطم دریای ذهنی و حسی شاعر، به اشکالی ایضاحی، مه گرفته و استعاری، گاهی به زیر آب می‌روند؛ گاه سر از آب برمی‌آورند و گاهی در حالت بینابینی در ساحت شاعرانه جلوه‌گر می‌شوند. البته هر شاعری بنا به اقتضائات زمانی و مکانی، همچنین تجارب فردی، زیستی و محیطی، عناصر و متعلقات مربوط به بافت اجتماعی و تاریخی را در دنیای حسی و ذهنی خود راه می‌دهد و بر عرصه‌ای بسیط از عاطفه، خیال، موسیقی و تفکر، با گونه‌ای بازنمایی هنرمندانه و شاعرانه، شکل می‌بخشد. در این راستا شاعر در تعامل با عناصر فردی و اجتماعی از طریق پالایش‌ها و مکانیزم‌های ادبی، به تقویت بخشی، مطرودسازی و یا به اعماق بردن این عناصر در حفره‌ها و لایه‌های متن مبادرت می‌ورزد.

یکی از ابعاد و ویژگی‌های مهم و چشمگیر شعر حافظ؛ صرف نظر از ابعاد زیبایی‌شناسانه، بلاغی و سبکی، عرفانی و محتوایی شعر وی، بعد اجتماعی اشعار اوست، که آن چنان بدان پرداخته نشده است. طنین تپش‌های حیات اجتماعی و عناصر آن در شعر حافظ به گونه‌ای است که انگار تاریخ اجتماعی ایران؛ خصوصاً تاریخ اجتماعی سده‌ی هشتم هجری در شعر وی نفس می‌کشد. به عبارتی دیگر دیوان حافظ، عرصه‌ی بازتولید، تعامل و تبادل و در عین حال انتقال بخش قابل توجهی از گفتمان‌ها، سنت‌ها، و کنش‌گری‌های سیاسی، اجتماعی جامعه‌ی ایرانی است که متن‌ها و مرزهای فرهنگی و تاریخی را درنور دیده و به پویایی آن استمرار بخشیده است. ساختار درونی اغلب اشعار حافظ، چونان ساختار اجتماعی و تاریخی عصر وی، پیچیده، تودرتو و چندشبهه‌ای است. برآمدن و فروپاشی سلسله‌ها، ناپایداری و مستعجل بودن عمر حکومت‌ها، گسترش نفس‌گیر آشوب‌ها، فسادها، فتنه‌ها و تبانی‌ها، عدم امن عیش، در کنار دوگانگی و دمدمی مزاج بودن کنش‌ها و رفتارهای گروه‌ها، جریان‌ها و عناصر اجتماعی، طبعاً بر کنش‌گری حافظ، و همین طور بر مضامین، بافت و معماری شعر وی بی‌تأثیر نبوده است. حافظ عمدتاً هرچند از منظری رندانه، قلندرانه و عاشقانه به هستی و پیرامون خود می‌نگرد؛ اما در خلال همین دیدن‌ها و نگره‌هاست که ردپا و

دورنمایی از هراس‌ها، آسیب‌ها، تجارب و آموزه‌های حیات فردی و اجتماعی‌اش را بر جای می‌گذارد. اجتماع، طبقات و پاره‌ای از عناصر و عوامل آن در شعر حافظ، گاه با نشان رمزها و نشانه‌ها، گاه با وجهی پنهان و آشکار، در رو ساخت‌ها و زیرساخت‌های شعری وی، با آمیزه‌ای از نام‌ها، و اجزای مرتبط با حیات اجتماعی شاعر، با مخاطب سخن می‌گویند و زنجیره‌ای از تنش‌ها، برجسته‌سازی‌ها، همگرایی‌ها و واگرایی‌ها را در درون خود بازمی‌آفرینند. حافظ خویشتن و محیط اجتماعی خود را چونان شاهدهی نیرومند، برای تجسم دوران می‌نمایاند. چنین تجسمی تنها منتج از مشاهده و رویارویی ستهنده و مستمر با محیط نیست؛ بلکه برآمده از مکاشفه و ذهنیت درونی و توفندهی شاعری پرتکاپو نیز هست. از دیگر سوی باید خاطر نشان کرد که وظیفه و رسالت شاعران، تشریح، تبیین و بیان امور و پدیده‌ها نیست. شاعران بزرگ، منادیان و نمایندگان بشری هستند. در منزل جانان، چونان حافظ، بانگ جرس و بستن محمل‌ها را جار می‌زنند و باریدن فتنه از سقف مقرنس را هشدار می‌دهند. آن‌ها با استعانت از سازوکارها و شگردهای ادبی، از قبیل نمادها، استعاره‌ها، تشبیه‌ها، تصویرها، تلمیح‌ها، نشانه‌ها و دیگر صناعات ادبی، همچنین ایجاد فضا و حس‌آمیزی‌ها، درصدد نمایاندن امور و نشان‌دادن آن هستند. تشریح و تبیین امور و پدیده‌ها در حیطه‌ی تخصص اهالی فلسفه، تاریخ و دیگر حوزه‌های علوم انسانی است. حافظ در عصر فتنه‌بار و پر آشوب خود، در نقش یک منادی و نشان‌دهنده است. وی در بسیاری مواقع بدیل‌ها و راهکارهایی را برای برون‌رفت از مسائل نشان می‌دهد. حضرت خواجه در عین حال، در زمره‌ی یکی از بی‌پروواترین، حساس‌ترین و دقیق‌ترین منادیان و اشارت‌گران شعر فارسی است که با هر نشانه و اشارتی اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، نشانه‌ها و تداعی‌های دیگری از این پرونده‌ی عظیم و سحرانگیز فرهنگی و تاریخی ما، باز می‌آفریند. او خضروار در لابه‌لای اوراق و دقایق تاریخی ما سر برمی‌آورد و آوازه‌ی آب حیات را که همان اشعارش هستند - از خاک به افلاک برمی‌کشد. این خضر ادبی و هنری، بی‌آن‌که بیمی از زوال چشمه‌ی آب حیاتش داشته باشد؛ بارها از جاودانگی پسینی و پیشینی آن، در اشعارش سخن به میان آورده است. گویی جاودانگی از دیرباز، سراغش را گرفته

و او اسباب پذیرایی از آن را، در روح و ضمیرش فراهم نموده است. درواقع، به‌جز دیوان حافظ، که شاهکار هنری و ادبی اوست، زندگی و نحوه‌ی گنشمندی رندانه‌ی اجتماعی و فردی حافظ نیز، شاهکار است. هرچند این دو، یعنی حیات اثر و خالق اثر، به طرز ظریف و غریبی درهم تنیده و برهم رسیده‌اند، ولی شبکه‌ها و ساخت‌های نمادین و متکثر از گفتمان‌ها، دقایق و فراز و نشیب‌های تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی و اسلامی را رقم زده‌اند. حافظ به‌عنوان موجودی تاریخی و اجتماعی، در نقش یکی از عمیق‌ترین شاعران سده‌ی هشتم هجری با تیزبینی‌های حسی و ذهنی خود، بسیاری از جریان‌ها و گفتمان‌های پیرامونی و تاریخی خود را دریافته و در اشعارش بازتولید نموده است. در این میان، شناخت هراس و آسیب اجتماعی و تاریخی زمانه‌ی حافظ و عوامل و مصادیق ظهور و بروز آن در شعر وی، نسبت گفتمان‌ها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی قرن هشتم هجری با دیوان حافظ، همچنین میزان اصالت و همپوشی داده‌های تاریخی و اجتماعی دیوان وی با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی، در کنار چرایی تفأل طبقه‌ی حاکمیت با اشعار وی از منظر تاریخی، موضوعات قابل درنگی است که تبیین آن می‌تواند در شناخت بهتر شعر حافظ و مسائل اجتماعی و تاریخی عصر وی رهگشا باشد. مطالعات انتقادی و میان‌رشته‌ای در زمره‌ی رویکردهایی است که در سال‌های اخیر توجه برخی از حافظ‌پژوهان را به خود جلب کرده و در تبیین لایه‌ها و ابعاد شعری حضرت خواجه، یاری رسانده است. اهمیت این مسئله زمانی بیشتر روشن می‌شود که در نظر بگیریم ادبیات، واجد مرزهایی منفرد و مشخص و به‌عبارتی دیگر مقوله‌ای مجزا و مستقل در دانش بشری نیست و در ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ با متن‌ها و دیگر رشته‌های علمی از قبیل تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه قرار گرفته و به درون این شاخه‌ها رخنه نموده است.

از دیگر سوی نگاه غالباً گزارشی، تقویمی (کرونولوژیکال)،^۱ تک‌ساحتی و منجمد در تشریح ادبیات؛ به‌ویژه شعر و تاریخ سیاسی و اجتماعی عصر حافظ،

تکثر، نخنما و مستعمل شدن برخی تحقیقات تقویمی و خطی اخیر، بنا به چشم داشتن و رونویسی از پاره‌ای تحقیقات اصیل گذشته، در کنار فقدان پژوهشی جامع و میان‌رشته‌ای در این باره، ضرورت تدوین پژوهشی جامع و علمی را، طلب می‌نماید. از این رو، این جستار با یاری‌هایی امکان‌پذیر از مباحث نظری و رویکردهای انتقادی و میان‌رشته‌ای، گزاره‌هایی از قبیل: نسبت شعر حافظ با آسیب، هراس و گفتمان اجتماعی و تاریخی عصر وی، سهم خلاقیت شاعر و اجتماع وی در آفرینش اثر شعری، نسبت شعر حضرت خواجه با تاریخ و میزان وقوف وی بر سنت‌ها، آسیب‌ها، مسائل و داده‌های تاریخی، چرایی و چگونگی بازتولید، تقویت و به حاشیه‌رانی طبقات و جریان‌ها و عناصر اجتماعی در شعر وی، نیز عوامل و چرایی تفاعل طبقه‌ی حاکمیت با دیوان حافظ و اصطلاحات و عناصر دیوانی در اشعارش را، در کانون بررسی و توجه خود قرار داده است.

بر این اساس، این تحقیق در پنج بخش با عناوین ذیل ساماندهی شده است:

بخش یکم: به مفاهیم و کلیات بحث، همچنین مباحث نظری تاریخ‌گرایی نوین و نظرات فوکو درباره‌ی قدرت پرداخته است.

بخش دوم: گفتمان‌های سیاسی قرن هشتم هجری، بازتولید و چرایی تقویت و به‌حاشیه‌رانی آن را در دیوان حافظ مورد بررسی قرار داده است.

بخش سوم: به گفتمان‌های اجتماعی، جریان‌ها و طبقات اجتماعی بازتولیدشده در شعر حافظ از قبیل: صوفیان، قاضیان، واعظان، شیخ‌ها، محتسب، فقها، قلندران و درویشان، ترکان، غلامان و کنیزان، حکیمان، تاجران، شاعران، مطربان و مغنیان، تاجران، دهقانان، گسادیان و مواردی از این دست در شعر وی، همچنین کارکردهای تاریخی و اجتماعی این طبقات و عناصر اجتماعی و نسبت آنان با شعر حافظ پرداخته است.

بخش چهارم: نقش و کارکرد دیوان‌سالاری آل اینجو در شکوفایی فرهنگی و هنری، نیز عوامل مؤثر بر اثربخشی و نقش‌آفرینی آن را، در کانون توجه خود قرار داده است.

بخش پنجم: مباحث و مقولاتی از قبیل: شعر و اضطراب، شاعران زاده‌ی اضطراب جهانند. نسبت اضطراب با شعر، اضطراب و هراس و مصادیق آن در

شعر حافظ با تکیه بر آسیب‌ها و هراس اجتماعی قرن هشتم هجری در شعر وی. همچنین میزان و نوع ستهندگی شاعر در این حوزه را، در کانون توجه خود قرار داده است.

بخش ششم: به تاریخچه‌ی تفأل، همچنین عوامل و چرایی تفأل طبقه‌ی حاکمیت با دیوان حافظ، در طی قرن‌های نهم تا چهاردهم هجری قمری پرداخته است.

بخش هفتم: به بررسی رابطه‌ی شعر و تاریخ، بسامد داده‌ها و عناصر تاریخی قرن هشتم هجری در شعر حافظ، میزان وقوف و آگاهی حافظ از رویدادها و مسائل تاریخی حیات، نیز سنجش همپوشی و قرابت این داده‌ها با منابع نزدیک به این دوره پرداخته است.

بخش هشتم: اصطلاحات و عناصر دیوانی در شعر حافظ را مورد توجه قرار داده است. همچنین در پایان بخش‌های دوم تا هشتم این پژوهش از مطالب و مباحث مطرح‌شده یک برآیند و ارزیابی کلی، به عمل آمده است. در پایان نیز، عکس‌ها، جدول‌ها، فهرست منابع و مآخذ و نمایه‌ی نام‌ها آورده شده است.

نویسنده‌ی این جستار نیک می‌داند فضای شعری حافظ، لایه‌های حسی و ذهنی آن، به‌مثابه ماهی لغزنده‌ای در دست است؛ فرار و قالب‌گریز؛ و به قالب هیچ ایدئولوژی یا چهارچوب نظری و مکتبی مشخصی، تن در نمی‌دهد. ازاین‌رو، استعانت و بهره‌مندی از برخی مباحث و مفاهیم نظری، تا جایی که با برخی از مفاهیم و رویکردهای شعر وی همپوشی و قرابت داشته باشد، سودمند است. در غیر این صورت، ابرام در به‌کارگیری هر مبحث نظری و تحمیل آن بر بافت شعری حافظ، پژوهش را به امری فاقد اصالت، اغواکننده و بزک‌شده تنزل می‌دهد. لذا این جستار برحسب ضرورت و تا جایی که این دسته از مفاهیم مباحث نظری با پاره‌ای از ابعاد و زوایای شعری حافظ هماهنگی و همپوشی داشته، به استفاده و بهره‌گیری از آن در امر پژوهش مبادرت ورزیده است. همچنین باید اذعان نمود که مسیر پژوهش در عین جذابیت‌ها و شور و شوق‌های خیره‌کننده‌اش، مسیری زمان‌بر، طاقت‌فرسا، سنگلاخی و حتی بی‌رحمانه است. طبعاً زمان و فرصت‌های زندگی محدود است. ازاین‌رو فرصت دوباره‌کاری و

ساده‌انگاری نیست و عرضی تحقیقی که مشمول دوباره‌کاری نشود، کاری است دشوار. از سوی دیگر از آن‌جا که در فرآیند پژوهش، مجموعه و آمیزه‌ای از عوامل عاطفی، ذهنی نویسنده، در نطفه‌بستن تحلیل‌ها، توصیف‌ها و نقطه‌ی عزیمت نویسنده وارد می‌شود، هیچ تفسیر و تحلیلی در این فرایند، صد در صد کامل و بی‌خطا نیست؛ چراکه بی‌تردید، هر جا ردپای آدمی است، ردپای بغض، تعصب، هیجان، تنگ‌نظری، غم‌نان، مصلحت، ترس، و صدها خصلت انسانی دیگر، در میان است. از این‌رو، خلق اثری ارزنده در حوزه‌ی علمی، آن هم در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی که بزرگان زیادی در این وادی، روح و قلم ساییده‌اند، امری است پرمخاطره، دشوار و البته زمان‌بر. نویسنده‌ی این پژوهش هرگز ادعای آن را ندارد که از پس همه‌ی این موانع و کاستی‌های یادشده، برآمده باشد؛ اما سعی‌اش بر آن بوده که در حد امکان تحقیقی زینده، علمی و متناسب با حال و هوای پژوهشی ارائه دهد. البته اثبات این مدعا نیز در غایت، تنها در دست متقدان، خصوصاً منتقد توانمند زمان است که در دنباله‌ی هر اثری، غربال به‌دست می‌آید.

در پایان بر خود بایسته می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را به یاران و عزیزانی که مرا در روند این تحقیق به اشکال مختلف یاری رساندند، تقدیم کنم: از دوستان و استادان ارجمند آقای دکتر محمد کشاورز استاد گروه ایران‌شناسی دانشگاه رفسنجان؛ سرکار خانم دکتر نسرین مظفری استاد گروه عمومی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و آقای دکتر زاگرس زند که این متن را خواندند و نکاتی را برای اصلاح آن ارائه فرمودند. نیز از خانواده‌ی عزیزم، خصوصاً مادر و همسر بزرگوارم که در طی این سال‌ها، مشوق و سنگ‌صبور من در مسیر علمی و پژوهشی بوده‌اند، بسیار سپاسگزارم و پیروزی، کامیابی آنان را از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم.

یا حق!

محمد کشاورز بیضایی

بوشهر، شهریور ۱۴۰۱ خورشیدی

بخش اول: مبانی و کلیات بحث

۱. تاریخ‌گرایی نوین

تاریخ‌گرایی نو (New Historicism)، رویکرد بدیع و تازه‌ای بود که در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ م. و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ م. در برابر رویکرد تاریخ‌گرایی قدیم که به مطالعه آثار ادبی با توجه به بسترها و پس‌زمینه‌های آن می‌پرداخت سر برآورد. نماینده و بانی این جریان، استفان گرین بلات (Stephen Greenblatt) بود که در بررسی‌ها و نوشته‌های خود درباره‌ی «رنسانس»، این اصطلاح را معرفی نمود. هرچند وی ترجیح می‌داد از اصطلاح بوطیقای فرهنگی (cultural poetics) بهره ببرد تا نشان دهد که ادبیات و هنرهای دیگر، منفک از دیگر اشکال فعالیت‌های اجتماعی نیستند که در طی تبادل و تعاملی پیچیده، فرهنگ عمومی یک دوره را می‌سازند (Abrams, 2005: 195).

۲. تاریخ‌گرایی نوین و جریان گفتمان‌ها

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه تاریخ‌گرایی نو، جریان گفتمان‌ها در یک متن و در میان متون مختلف است. سیما داد در کتاب فرهنگ اصطلاحات

ادبی درباره‌ی واژه‌ی گفتمان و معنای آن می‌آورد:

«گفتمان، اصطلاحی قابل ارتجاع در زبان‌شناسی است. اغلب به معنی توالی‌های زبانی فراتر از جمله در گفتار و نوشتار است. جنبه‌ی ممیز گفتمان در عین حال آن است که بر پویایی ارتباطی زبان تأکید می‌ورزد. به این معنی، تحلیل گفتمان یعنی بررسی تمام مؤلفه‌هایی که بخشی از کنش ارتباطی را تشکیل می‌دهند؛ فحوای سخن، هدف tenor ارتباط، حال و هوای گفتمان و... این معنی برابر واژه‌ی فرانسوی *discourse* قرار می‌گیرد که ادبیات داستانی و شعر را به‌عنوان گفتمان‌های روایی و یا ادبی نیز شامل می‌شود. زبان‌شناسانی که گفتمان را با این توسع معنایی به کار می‌برند از واژه‌ی متن (*text*) هم برای متون نوشتاری و هم برای متون گفتاری استفاده می‌کنند. اما گروهی دیگر از زبان‌شناسان از جمله تحلیل‌گران اولیه‌ی گفتمان، اصطلاح گفتمان را به‌عنوان مجموعه بیاناتی متصل در زبان گفتار در برابر متن نوشتاری به کار می‌برند. در این معنی است که تحلیل گفتمان به جنبه‌هایی از زبان گفتار مثل ضرب آهنگ و واحدهای لحنی می‌پردازد که در انتقال معنا دخیل هستند؛ اما غالباً بررسی آن در دستور زبان قرار نمی‌گیرد» (داد، ۱۳۹۰: ۴۰۹-۴۰۸).

از دیدگاه تاریخ‌گرایان نو، همان‌طور که یک متن می‌تواند در جامعه جریان داشته باشد، می‌تواند در خدمت جریان گفتمان مشخصی نیز باشد. برای مشاهده و تجسم جریان یک گفتمان در عصر یا دوره‌ای خاص، نه‌تنها باید در حضور آن در متون ادبی؛ بلکه در حضور آن در دیگر متون و فرآورده‌های فرهنگی نیز دقت کرد. بر این مبنا شیوه‌ی برخورد تاریخ‌گرایی نو با متون ادبی و غیر آن همسان است. هر متنی صرفاً منعکس‌کننده‌ی شرایط فرهنگی جامعه نیست؛ بلکه بر آن تأثیرگذار نیز هست (میرزا بابازاده فومنی و خجسته‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۲). تاریخ‌گرایان نو با استعانت از افکار فوکو بر این باورند که می‌توان قدرت در گفتمان را برای رسیدن به نوعی پویایی و منازعات برای بقایای عناصر فرهنگی مطالعه کرد. همچنین نمود گفتمان قدرت با تبادلات کالاهای بی‌پایان مادی، امکان اشاعه‌ی تبادل افراد و گفتمان‌های گوناگون را فراهم می‌نماید (تایسن، ۱۳۸۷: ۴۷۲). از منظر تاریخ‌گرایان نوین در هر عصری، آمیزه و آمیخته‌ای از چند

گفتمان در حال تعامل با یکدیگرند. رویدادها و مسائل تاریخی و اجتماعی از کنش‌مندی^۱ گفتمان‌های مختلف حاصل می‌شوند. از این‌رو نیروها و نهادهای اجتماعی گوناگون و باورهای ناهمسان آن، مولد روایت‌ها و خوانش‌های مختلفی از تاریخ می‌شوند. جهت‌گیری‌ها و منافع این نهادها و نیروها، شاید با یکدیگر همسو و در تعامل و یا این‌که با یکدیگر در تقابل و تعارض باشد. در این راستا برخلاف دیدگاه تاریخ‌گرایان سنتی تاریخ و واقعیت‌های آن امری تقویمی، خطی، ثابت و منجمد نیستند.

واقعیت‌های تاریخی، چندوجهی و چندلایه‌ای و سیال هستند. و به تعبیر لوثی مانروز «ما نمی‌توانیم شناخت کامل و قابل‌اعتمادی از گذشته حاصل کنیم» (Montrose: 1992: 410). آبشخور برخی از اساسی‌ترین مبانی فکری تاریخ‌گرایان نوین را می‌توان در اندیشه‌های فوکو جست‌وجو کرد. فوکو از ناپیوستگی و گسیختگی تاریخ و یا به عبارتی دیگر از غیرخطی و غیر تقویمی بودن آن سخن به میان می‌آورد. از منظر وی تاریخ واجد زنجیره‌های گوناگونی است که در پیرامون یکدیگر قرار می‌گیرند و از پی یکدیگر می‌آیند و به هم می‌رسند؛ بی‌آن‌که بتوان آن را به فرایندی خطی و تقویمی تنزک داد (Foucault, 2002: 8).

از منظر فوکو با وجود قدرت انسان در خلق معنی، توانمندی وی برای تفکر و انجام‌دادن همزمان محدود است؛ چراکه مابین آنچه فکر می‌کنیم و آنچه انجام می‌دهیم شکاف و فاصله وجود دارد. این فاصله منتج از قدرت روابط حاکم در جامعه است. فوکو همچنین گفتمان را محدود به یک معنا و یا حقیقت نمی‌کند؛ بلکه آن را به مثابه تاریخ یا دوره‌ای خاص قلمداد می‌کند (Rabino, 1984: 127). تاریخ برای فوکو محصول روابط پیچیده درون گفتمان‌های متفاوت

۱. کنشگری یا اکتیویسم (Activism): به فعالیت‌های متشکل و گوناگون در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی گفته می‌شود که به منظور ایجاد تعادل یا جلوگیری از تغییر در این زمینه‌ها با میل بهبود در جامعه شکل می‌گیرد. کنش اجتماعی نیز به معنای گزینش‌های ارادی افراد و گروه‌ها برای محقق ساختن اهداف مورد نظرشان است. در این معنا، کنش اجتماعی باید برای آن‌هایی که درگیر آن هستند معنادار باشد (استونز، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

هنری، اجتماعی، سیاسی، علمی و غیره است. اصطلاح گفتمان در این جا به عنوان ساختاری زبانی است که از زبان فراتر می‌رود و تمام عناصر فرهنگی را دربر می‌گیرد (Bressler, 1994: 131). گفتمان می‌تواند همزمان برآمده از قدرت و همچنین عاملی در برابر قدرت باشد. به عبارتی دیگر، گفتمان در عین مشروعیت‌زایی و تقویت‌بخشی به قدرت، می‌تواند آن را به تباهی و فروپاشی بکشاند. افزون بر حمایت گروه‌ها و نهادهای رسمی از قدرت، گروه‌ها و جریان‌های غیررسمی نیز در حفاظت از آن سهیم هستند. از این جهت در کاربست این رویکرد جدید در متون ادبی، باید به روابط و اعمال قدرت از سوی افراد، طبقات، گروه‌ها و جریان‌های فرادست و فرودست، رسمی و غیررسمی دقت داشت. از این روست که فوکو بر حضور مستمر قدرت بر تمامی جنبه‌ها و ابعاد زندگی ابرام دارد و بر این باور است که قدرت همه جا حاضر است و همه جا ما را احاطه نموده است. نه برای این که بر همه چیز چنگ بزند؛ بلکه به این خاطر که از همه جا نشئت می‌گیرد (Habib, 2005: p771).

در تاریخ‌گرایی نو، اشکال ادبی استعاراتی اساسی از کل جامعه به‌شمار می‌روند (پین، ۱۳۸۶: ۲۱۴). به عبارتی دیگر اثر ادبی برآمده از فرهنگی خاص با نظامی از نشانه‌ها یا رمزگان موجود در بافت یا زمینه‌ی فرهنگی است. تاریخ‌گرایی جدید، جدایی و انفکاک ادبیات و زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن را باطل می‌شمارد. از این منظر تاریخ‌گرایی نو آثار ادبی را واجد موقعیت تاریخی می‌داند و بر تاریخی بودن متون و متنی بودن تاریخ تأکید دارد. تاریخیّت متون بیانگر آن است که نوشته‌ها در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی خلق شده‌اند و متنیّت تاریخ‌گویای آن است که نفس تاریخ را می‌توان در قالب مجموعه‌ای از بازنمایی‌های در معرض تأملات، بازگزارش‌ها و تأویل‌های گوناگون درک نمود (پین، ۱۳۸۶: ۲۱۴). بنابراین از این منظر، گذشته هیچ‌گاه نمی‌تواند در شکل ناب و دست‌نخورده آن در دسترس ما باشد؛ دسترسی ما به گذشته فقط از طریق بازنمایی (representation) امکان‌پذیر است.

به‌طور کلی مهم‌ترین و غالب‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مباحث نظری تاریخ‌گرایان نوین از این قرارند:

۱. تاریخ مقوله‌ای ثابت و همسان از حقایق و رویدادها نمی‌باشد که بتوان آن را با عنوان بستری برای تولید یک ادبیات خاص یا در ارتباطی یک‌طرفه از انعکاس شرایط تاریخی آن دوره به حساب آورد.

۲. ادبیات در حوزه‌ی «فراتاریخی» و زیباشناسی قرار ندارد؛ بلکه در موقعیتی تاریخی و در ارتباط با شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زمانه‌ی خود است. بنابراین ادبیات مستقل از شرایط تاریخی و اجتماعی خود نیست که آن را بتوان با معیارهای بی‌زمانی هنر بررسی نمود. برعکس متون و آثار ادبی، حتی متون تاریخی، دینی، فلسفی، تابع موقعیت زمانی و جغرافیایی (مکان) هستند که متن در آن شکل گرفته است.

۳. اثر ادبی مخلوق خالق آزاد، خودمختار و دارای هویتی واحد و یگانه نیست. درواقع خالق اثر به طرز قابل توجهی تابع نظام عقیدتی حاکم بر روابط قدرت در جامعه‌ای معین است. البته این به معنای نفی کامل خلاقیت صاحب اثر نیست.

۴. مخاطبان آثار ادبی همانند خالقان و نویسندگان آن، انسان‌هایی هستند که برحسب اقتضائات باوری و تاریخی خود تعریف می‌شوند. آنان در موقعیت‌های خاصی قرا می‌گیرند. لذا هر نوع دیدگاهی که تفسیر و ارزشیابی بی‌طرفانه و معصومانه‌ی اثر ادبی را ممکن می‌داند، از زمره‌ی تصورات باطل و منتج از آرمان‌گرایی و مدینه‌ی فاضله‌ی انسان‌مدارانه است. چراکه در هر کجا که نظام باوری مخاطب با نظام حاکم بر متن همپوشی و قرابت نداشته باشد به تصرف در متن می‌پردازد و خوانش موافق با آمال و خواسته‌های خود از متن می‌پردازد.^۱

۱. برای خود من بسیار اتفاق افتاده که شعری از یک شاعر را برحسب حس و حال و موقعیت زمانی و شرایط حاکم بر آن لحظه خوانش و تفسیر کرده‌ام و بخش اعظمی از حالات روحی و روانی و حتی اثبات اطلاعاتی و آموزه‌ای خود را بر آن تحمیل نموده‌ام. به‌نظم این برخورد با متن برای هر مخاطبی متداول است و خواننده برحسب شرایط روحی و روانی خود، نظیر حالات و موقعیت عاشقانه، نوستالژیک، حماسی و سیاسی، متن را ارزشیابی و تفسیر می‌کند. البته در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی نیز این مسئله اتفاق افتاده است و بسیاری از حافظ‌پژوهان ما براساس حالات و موقعیت روحی، باوری و زمانی خود به خوانش و تفسیر شعر حافظ مبادرت ورزیده‌اند.

۵. الگوها و مؤلفه‌های قدرت و نظام هژمونی در هر دوره‌ای در جامعه، مفاهیم، تقابل‌ها و سلسله‌مراتب گفتمان آن دوره را شکل می‌دهند.

در هر حال، کاریست رویکرد تاریخ‌گرایی نو در آثار کلاسیک ادبی و تاریخی، ابعاد و اشکال گوناگونی از منابع جمعی، از سنت‌ها و نظام سلطه را در بازتولید نظام قدرت تبیین و تشریح می‌نماید. به همان اندازه که خالق این آثار به ساختار و نظام سیاسی و قدرت، در تعامل باشند، تصویر روشن‌تری از لایه‌ها و منابع پیچیده، سنت‌ها و گفتمان‌های مسلط تاریخی و فرهنگی را ارائه می‌دهند. حافظ از زمره‌ی شاعرانی است که با ساحت قدرت تعامل داشته و خوانش‌های نمادین و کلی از آن را در اشعارش بازتولید کرده است. به عبارتی دیگر شعر حافظ به‌مثابه جزیره‌ای برآمده از اقیانوس موج و پرتلاطم تاریخ ایرانی، موقعیت تاریخی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی را در شبکه‌های مرئی و نامرئی جغرافیای هنری رازآلود و سحرانگیزش، توسع بخشیده است. عطف به موارد یادشده، بخش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل برآمده است:

۱. دیوان حافظ چه گفتمان‌هایی از قدرت سیاسی را در خود بازتولید کرده است؟

۲. تعامل و وجه کنش‌مندی شاعر در برابر این گفتمان‌ها چگونه است؟

۳. ارتباط میان ستایش و نکوهش حاکمان و عوامل قدرت در دیوان حافظ با گفتمان‌های موجود در چیست؟

۴. دیوان حافظ چه گفتمان‌هایی از قدرت را تقویت، و چه گفتمان‌هایی از آن را طرد می‌کند؟

۱. بازتولید (Reproduction). مفهوم بازتولید از مفاهیم کلیدی و اساسی در اندیشه‌های لویی آلتوسر و پی‌یر بوردیو محسوب می‌گردد که در حوزه‌های متعددی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بازتولید مفهومی است که می‌توان آن را به‌مثابه خلق و ایجاد یک ساختار از جانب کنشگران و یا نهادها در نظر گرفت. منظور از این واژه بدان معناست که افراد یا نهادها منافع و آرمان‌های ساختارها و نظام حاکم را پی می‌گیرند و در بستری دیگر دوباره آنها را خلق و بازسازی می‌نمایند و در هر نظام و نهادهایی چون خانواده، آموزش و پرورش و نهادهای دینی به بازتولید ساختارها می‌پردازند. نک: توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.

۳. دیوان حافظ و موقعیت تاریخی

از منظر تاریخ‌گرایی نو هر متن و اثری؛ حتی ادبی و هنری، تاریخی و واجد موقعیت تاریخی است. این آثار در عین حال استعاراتی اساسی از کلیت جامعه و ساختار اجتماعی، تاریخی و اقتصادی آن به‌شمار می‌روند. *دیوان حافظ* نیز همانند دیگر آثار ادبی مهر و نشانه‌ی تاریخی‌بودن را بر پیشانی خود دارد و در موقعیت تاریخی و فرهنگی قرن هشتم هجری خلق شده است. این اثر سترگ ادبی به‌مثابه استعاره‌ای اشاعه‌یافته از وضعیت و موقعیت جامعه و تاریخی ایرانی است که دوش با دوش تاریخ آن، رسالت پویایی جامعه‌ی ایرانی را قرائت و بازنمایی نموده است.